

بسمه تعالی

حضور کودک معلول در خانواده - قسمت پنجم

کودک نابینا - قسمت دوم

دکتر محمد کمالی

وضعیت ویژه ظاهری در کودک نابینا باعث شناخت و تشخیص سریعتر معلولیت کودک توسط والدین می گردد. در قسمت چهارم از ضرورت تسریع در برخی برنامه های آموزشی سخن گفتیم که در این مطلب به توضیح بیشتر این موارد می پردازیم:

1) برقراری ارتباطات لمسی و کلامی با کودک: بسیاری از محرکهای محیطی برای کودک از طریق حس بینایی برقرار می گردد. اینک با کودکی روبرو هستیم که فاقد چنین حسی می باشد. بنابراین لازم است از حواس دیگر و بویژه حس لامسه و شنوایی برای رفع این مشکل کمک بگیریم. از این رو لازم است تا والدین ترغیب شوند تا بطور مداوم با کودک سخن بگویند و هر چیزی را به او معرفی نمایند. لازم است اشیاء و مواد مختلف را به دست کودک بدهیم تا او از طریق حس لامسه بتدریج با آنها آشنا شود. با بزرگتر شدن کودک این استفاده از حواس باید به شکل گسترده تری پیگیری شود.

2) پرورش سایر حواس: علاوه بر حس شنوایی و حس لامسه که باید بطور ویژه برای کودک نابینا تقویت شود، لازم است تا حس چشایی و بویایی نیز به اندازه کافی تقویت شوند. این دو حس از شناخت علائم طبیعی و نشانه های محیطی، تشخیص مسیرها و جهات حرکت و در کسب مهارتهای روزمره زندگی بسیار اهمیت دارند. شناخت اشکال مختلف و برخی مفاهیم مانند خشک، تر، نمناک، زبر، نرم و ... با حس لامسه، شناخت صدای افراد، دور و نزدیک، انواع صداهای موجود در طبیعت و اجتماع، تشخیص سن و جنس و حالات هیجانی با استفاده از حس شنوایی، شناخت مواد بودار و بی بو و تمیز دادن آنها از هم در سنین بالاتر، شناخت مغازه ها (مثل نانوائی، شیرینی پزی و ...) با استفاده از حس بویایی و نیز شناخت انواع مزه ها و درک تفاوت آنها، پختگی، رسیدن یا کال بودن مواد و میوه ها و ... نیز از طریق حس چشایی به دست خواهد آمد.

3) آموزش مهارتهای روزمره زندگی: به هر صورت کودک نابینا باید یاد بگیرد تا بتواند هر چه سریعتر مستقل و بدون وابستگی به زندگی ادامه دهد. انجام کارهای روزمره مانند نظافت و شستشو، حمام، پوشیدن و درآوردن لباس و کفش، غذاخوردن و نوشیدن، استفاده از وسایل حمل و نقل، کار، ابزارهای ساده مثل چسب،

قیچی ، یافتن اشیای گمشده و ... باید بتدریج به کودک آموزش داده شود. نحوه برقراری با افراد و شناخت برخی موقعیت ها مانند اماکن و مشاغل هم با افزایش سن کودک باید همین برنامه آموزش داده شود.

(4) آموزش تحرک و جهت یابی: شناخت فضای داخل منزل و محیط اطراف بسیار حائز اهمیت است. باید والدین در حالی که دست کودک را گرفته اند با طی مسیرهای مختلف ، تفاوت مکانها را به لحاظ ارتفاع، کوچکی یا بزرگی و دیگر خصوصیات برای وی توضیح دهند. با افزایش سن، نحوه تردد در منزل، طی نمودن پله ها ، خارج شدن از منزل و عبور از پیاده رو و خیابان هم به برنامه او افزوده شود.

(5) تقویت حافظه، درک کلامی و افزایش معلومات عمومی: تشویق کودک به سؤال بیشتر در مورد همه چیز و در اختیار قرار دادن اشیای مختلف در دستان او باید بشدت مورد توجه باشد. خواندن داستان و شعر و تشویق او به حفظ و بازخوانی و بازگویی آنها بسیار مهم است. انجام انواع بازیها و بردن او به اماکن مختلف، توضیح شفاهی در مورد وضعیت ساختمانی و تاریخی اماکن می تواند در تقویت موارد فوق بسیار راهگشا باشد.

(6) برنامه اصلاح رفتار: حرکات تکراری، وضعیت راه رفتن و نشستن غلط و برخی رفتارهای نامناسب به دلیل عدم ارائه آموزشهای صحیح در بسیاری از کودکان و حتی نوجوانان دیده می شود. با استفاده از نظرات مشورتی متخصصین و معلمین می توان به فرد نابینا و خانواده آموزشهای لازم را برای رفع و زدودن رفتارهای نامناسب و جایگزین کردن رفتارهای صحیح آموخت که در نمایاندن شخصیت آینده او در جامعه بسیار حائز اهمیت است.

شرح امور و فعالیتهای در مورد کودک نابینا بسیار فراوان تر از این مختصر است که به لحاظ محدودیت امکان ارائه آنها نیست و به همین کوتاه بسنده می کنیم و در قسمت ششم در مورد کودک ناشنوا خواهیم گفت.